

ماجرای عشق و عاشقی میدون

طرح تعویض هنرمندان فرسوده با خودروهایی نو



پوریا عالمی

• بعد از اینکه وزیر ارشاد، علی جنتی، گفت: «بهرام بیضایی سنش بالاست و کاری از دستش برنمی‌آید»، ما منتظر بودیم ببینیم جنتی دنبال چه کار خاصی است و آن کار خاص دقیقاً چیست که مربوط به سن‌وسال است و چه کسی از پس آن برخورد آمد. همین‌طوری منتظر بودیم تا دیروز که متوجه شدیم خوشبختانه جای خالی بهرام بیضایی روی صحنه تالار وحدت، اتومبیل رنو برده و رونمایی کرده‌اند؛ یعنی دقیقاً وقتی که بیضایی را تونمایی می‌کنند و نمی‌گذارندش جلو چشم، رنو را می‌آورند می‌کنند توی چشم مخاطبان هنر، عدل روی صحنه تالار وحدت. فقط دقیقاً مشخص نشد موضوع، شجریان بوده یا رنو؛ یعنی مسئله این بوده که صدای شجریان در رنو هم خوب است، اما در ماشین‌های دیگر خوب شنیده نمی‌شود یا یک چیز تکنیکی دیگر که ما نفهمیدیم. چون این رونمایی گویا دقیقاً بعد از رونمایی آلوم شجریان بوده است. خلاصه رونمایی ماشین رنو بد هم نیست. به نظر ما اینها رنو را جای بیضایی رونمایی کردند، حتماً جای شجریان هم که مدت‌هاست صدایش از تلویزیون پخش نمی‌شود و داخل کشور کسرت ندارد، قرار است روی صحنه تالار کشور مرسدس بنز ببرند. جای حسین علیزاده قرار است از بی‌ام‌دبلیو رونمایی شود. راستش ما نمی‌دانیم، اما می‌دانیم دیگر تعجب نمی‌کنیم، قرار شده جای علیرضا افتخاری یک دستگاه پراید، جای امیر تتلو یک دستگاه مینی‌مایتر و جای آن خواننده که صدایش دورگه است یک دستگاه اسب بخار روی صحنه تالار وحدت ببرند. وزیر ارشاد گفت امیدوار است این‌طوری جای خالی هنرمندان را خوب پر کرده باشد و مردم دیگر غر نزنند. وزارت ارشاد اعلام کرده: طرح بعدی ما طرح تعویض هنرمندان فرسوده با خودروهای نو است. به نظر ما هم پیام بردن رنوی جدید روی صحنه تالار وحدت مشخص است؛ دوران جدید رسیده است. حالا بایای سوفیا، به من می‌گوید: ای میدون دوم، اگر تو واقعا عاشق سوفیا هستی باید خواننده بزرگی شوی تا ما تو را ببریم وزارت ارشاد و با یک دستگاه اتومبیل معاوضه‌ات کنیم.

وصیت

سوفیا... به‌خدا اینها رنو را بردند روی صحنه تالار وحدت که نشان بدهند.

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۶ مهر ۱۳۹۵ • ۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۲۷ • ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۶۹۱ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ • اذان مغرب ۱۸:۱۲ • اذان صبح فردا ۴:۳۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۷

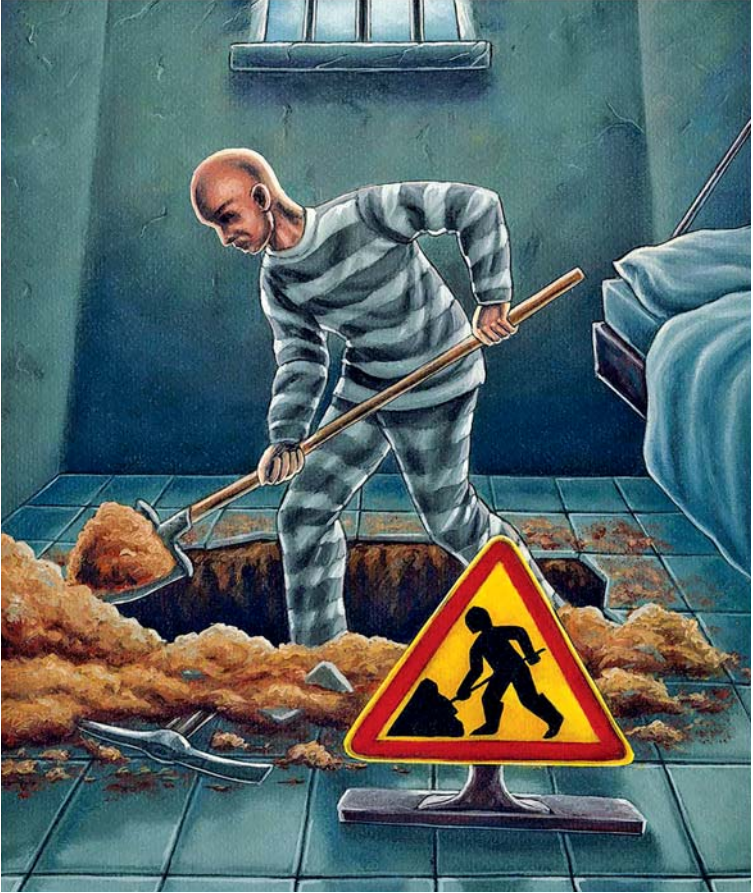
روزنفر

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

جلال پیرمرز آباد

تمثیل دفاع اردوغان، از رضا ضراب



پیشنهاد

بایز امسال، مؤسسه پرسش با «سورن کیرکگور» فیلسوف شناخته‌شده غرب، میزبان علاقه‌مندان به اندیشیدن است.
این‌بار در درسگفتارهای پاییز ۱۳۹۵ مؤسسه «پرسش» با سؤالات مختلفی درباره سورن کیرکگور می‌خواهد رابطه این فیلسوف را با الاهیاتی که از سوی دیگر اندیشمندان پس از او مطرح شده، بررسی کند. عنوان این دوره «انقلاب خاموش در فلسفه» است و صالح نجفی قرار است آن را بر اساس سرفصل‌های زیر تشریح کند.
۱. پاراباسیس مدام: کیرکگور و مفهوم آیرونی؛
۲. آنتیکونه مدرن: کیرکگور و تراژدی؛
۳. طریق شوالیه‌های ایمان: کیرکگور و کافکا؛
۴. از تذکار تا تکرار: انقلاب کیرکگور در فلسفه.

سلام به فردا

رفتار شیطننت آمیز با «خلیج فارس»

شده هم از این قاعده مستثنا نیست؛ در این پرونده هم کسی درباره تملک خلیج فارس، نظری ندارد بلکه انتقادها بر سر تغییر نام خلیج فارس از سوی این شرکت هواپیمایی است.
خلیج فارس از دیرباز براساس اسناد تاریخی، نقشه‌ها، دیوارنگاره‌ها و... به همین نام بوده و بعد از تشکیل جامعه ملل و پس از آن سازمان ملل متحد، با نام خلیج فارس ثبت و ضبط شده است. این موضوع که در آن زمان از سوی همه جهانیان پذیرفته شده بود، از اواسط قرن بیستم، با شیطننت برخی کشورهای عربی مانند مصر و عراق همراه شد و بعدها که دولت‌های مستقلی در کشورهایی چون امارات و قطر و بحرین و... به وجود آمدند، دامنه این اختلاف‌ها بر سر نام خلیج فارس، گاه کمتر و گاه بیشتر، ادامه داشت. در این سال‌ها اما به دلیل جایگاه و نقش ایران در منطقه، هیچ‌کدام از دولت‌های نام‌برده‌شده نتوانستند با وجود هزینه‌ها و طرح‌هایی که داشتند، در این زمینه کاری از پیش ببرند؛ تاجایی که حتی در اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ هم تلاش‌های آنها از طریق برخی گروه‌های تجزیه‌طلب به جایی نرسید. شتاب‌گرفتن چنین شیطننت‌هایی را در دو دهه اخیر، اما باید به وضعیت این کشورها و پیوندهایی که با نهادهای قدرت جهانی برقرار کرده‌اند از یک سو و

۳۵ سال از سالگرد شکست حصر آبادان در سال ۶۰ گذشت. آن روزها آن‌قدر محاصره یک‌ساله شهر در نظرمาน طولانی بود که فکر می‌کردیم قرن‌هاست که شهرمان در حصر است و هرگز موقعیتی غیر از این قبلاً وجود نداشته، انتهای جاده‌های رو به بیرون شهر به‌گونه‌ای برایمان در افسانه‌ها می‌زیستند که انکار هرگز روزی نمی‌رسید که دوباره بتوانیم بر این جاده‌ها گام نهاده و به انتهای این خوشبختی برسیم

حبیب احمدزاده

درد مشترک

و برای مخصی و دیدن خانواده‌های جنگ‌زده‌مان به شهرهای دور و نزدیک برویم.
به‌راستی و از ته دل می‌گویم که ما مردمان غرب و جنوب این کشور، درد همه مردمان سوریه، عراق، لیبی، یمن و فلسطین را به‌خوبی درک می‌کنیم چون خود نیز روزی صلیب و لقب آواره جنگی را بر دوش زخمی خود و خانواده‌هایمان کشیده‌ایم. این‌گونه شاید همگان نیز بتوانند حس کنند که شکستن محاصره شهر پس از یک سال برای امثال من، چه خاطره روح‌افزایی است و نیز تشکر از یاری و آغوش کمک دیگر هموطنانم در اقصا نقاط این سرزمین که باعث شد هیچ ایرانی جنگ‌زده‌ای مانند مردمان امروز سوریه مجبور به ترک کشور نشود.

